

توسعه نفت و گاز بدون سرمایه گذاری ممکن نیست



محمد ابراهیمی

کارشناس نفت

واژه انرژی برای کشوری که از بزرگ‌ترین منابع هیدروکربوری دنیا بر خوردار است، بدون هیچ تردیدی، نفت و گاز را به ذهن مخاطب متبادر می‌کند. فارغ از اقدامات انجام‌شده در کشور ما در راستای کاهش وابستگی به منابع نفت و گاز، نگاهی اجمالی به اعداد و ارقام و همینطور بند و تبصره‌های موجود در قوانین بودجه سنواتی و لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ می‌توان دریافت که همچنان ایفای تعهدات دولت در بسیاری از بخش‌ها بر دوش صنعت نفت کشور سنگینی می‌کند.

اما آیا صرف داشتن منابع برای هر کشور تولید ثروت می‌کند؟ پاسخ قطعاً منفی است. اگر غیر از این بود کشوری مانند افغانستان، با کشورهای آفریقایی با توجه به منابع معدنی خاص امروز از ثروتمندترین کشورهای جهان بودند. به‌همین دلیل است که هشدار مکرر مقام‌های مسئول در وزارت نفت بر لزوم تخصیص به‌موقع و کافی منابع در همه‌بخش‌ها علی‌الخصوص در بخش گاز بیش از همیشه واجد اهمیت می‌گردد.

کشور ما سالیان متمادی است که با کاهش سرمایه‌گذاری در حوزه نفت و گاز مواجه شده و سیاست‌گذاران به‌رغم اطلاع از آن به‌هیچ‌وجه انتظارات مالی خود از این صنعت از متناسب و همسان با میزان کاهش سرمایه‌گذاری تعدیل نکرده‌اند.

این عدم همراهی در سال گذشته تا جایی پیش رفت که پیگیری وزیر نفت برای جذب و تخصیص منابع مالی در راستای مقابله با ناترازی گاز، از سوی رئیس مجلس با واژه بی ادبانه و نامناسب «گدایی کردن» تعبیر شد. مطابق اصل (۴۵) قانون اساسی وزارت نفت به‌عنوان وزارتخانه‌ای کاملاً تخصصی و غیرسیاسی می‌بایست فارغ از نامهربانی‌های معمول اداری و سیاسی طوری بر این منابع متعلق به عموم مدیریت کند که متضمن صیانت منابع عظیم نفت و گاز کشور باشد.

بر کسی پوشیده نیست که صیانت از نفت و گاز برای انتقال آن به نسل‌های آینده مستلزم سرمایه‌گذاری است و براساس پیش‌بینی‌های انجام‌شده نیاز فوری صنعت نفت و گاز کشور برای رسیدن وضع قابل قبول (و نه حتی وضع مطلوب) حدوداً مبلغ ۲۰۰ میلیارد دلار است. اینکه ابعاد اقتصاد کشور توان و تحمل تامین این اندازه از منابع مالی را دارد یا خیر یک ابهام بسیار مهم است و در کنار آن باید این سوال را مطرح کرد که آیا وزارت نفت به لحاظ مالی توان سرمایه‌گذاری در این حجم را دارد؟

واقعیت این است که درآمد اصلی شرکت ملی نفت ایران کاملاً محدود بوده و در دو بخش فروش صادراتی و فروش داخلی پیش‌بینی و مصوب می‌گردد. در بخش صادراتی این شرکت سهمی معادل ۱۴/۵ درصد از کل صادرات دریافت می‌کند. بخش اعظمی از این سهم عمدتاً صرف هزینه‌های عملیاتی و مرتبط با مطالعه و تولید نفت خام و میعانات گازی می‌گردد. بدین ترتیب مبالغ چندانی جهت سرمایه‌گذاری کلان و طرح‌های توسعه‌ای با اهمیت باقی نمی‌ماند.

اما موضوع سهم شرکت ملی نفت ایران از مقدار تقریبی روزانه ۱/۷ میلیون بشکه‌خوراک‌تحویلی به‌پالایشگاه‌های داخلی (معادل حدود نصف تولید نفت کشور) به‌مراتب ترازیک‌تر از سهم صادراتی است. بر خلاف تصور عام که سهمی معادل ۱۴/۵ درصدی از فروش داخلی خوراک موصوف برای شرکت نفت مستور است، با توجه به فرمول محاسباتی، این عدد در هر سال سهمی در حدود ۲ تا ۳ درصد است که در کنار سهم ۱۴/۵ درصد صادراتی طبعاً امکان هرگونه سرمایه‌گذاری را از مجموعه صنعت نفت سلب نموده است. در این میان اگر چه براساس قوانین بالادستی مقرر شده بخشی مهمی از منابع حاصل از صادرات نفت به صندوق توسعه ملی واریز و منابع حاصله صرف زیرساخت‌ها و طرح‌های عمرانی کشور شود لیکن مروری بر تسهیلات پرداختی و سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده در بخش نفت و گاز از محل منابع صندوق توسعه ملی نشان می‌دهد سهم حوزه نفت از این منابع مطلوب و کافی نبوده و طی سال‌های اخیر منجر به اجرای مستمر طرح‌های توسعه‌ای

حیاتی در این صنعت نشده است. نمونه‌ای از وضعیت هشدارآمیز انرژی کشور در بخش گازی را می‌توان در گزارش‌های مربوط به برداشت کشور از حوزه گازی مشترک پارس جنوبی جست‌وجو کرد.

بنا بر ادعای مدیرعامل سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس تولید امروز ایران در میدان گازی مشترک موسوم به پارس جنوبی از قطر بیشتر است اما گزارش‌های حوزه انرژی نشان می‌دهند که قطر طی سه دهه برداشت گاز از میدان پارس جنوبی توانسته در حالی ۲/۵ برابر ایران از این میدان مشترک برداشت نماید که ایران تنها دو دهه است که با اتکا به تکنولوژی تولید؛ امکان بهره‌برداری از این میدان بزرگ گازی را به‌دست آورده و اساساً کشور در این بخش دچار عقب‌ماندگی تاریخی است.

هشدار عقب‌افتادگی کشور در برداشت از این میدان مشترک گازی سال‌هاست که مستند بر واقعیت‌های علمی و عملیاتی از سوی وزارت نفت و سایر مراکز تحقیقاتی و کارشناسی مثل مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی یا گزارش اخیر صندوق توسعه ملی اعلام شده است. جایی که بنابر اطلاعات موجود میدان گازی پارس جنوبی که بیش از ۷۵ درصد گاز کشور را تامین می‌کند وارد نیمه دوم عمر خود شده و در شرایط ثابت؛ به‌طور میانگین سالیانه حدود ۱۰ میلیارد مترمکعب از تولیدات آن (که تقریباً معادل یک فاز از این پروژه عظیم ملی است) کاسته می‌شود.

این اندازه از اهمیت و حساسیت جایگاه عملکرد وزارت نفت عموماً موجب نشده تا مجموعه واحدهای برنامه‌ریز، تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر نگاهی «راهبردی» به صنعت نفت ایران، ظرفیت‌ها و کارکردهای آن داشته باشند. تجربه سال‌های اخیر به‌خوبی نشان می‌دهد توجه به نفت صرفاً از بعد «عواید مالی» بوده و نگاه ابزاری به آن موجب شده که برنامه‌ریزی بلندمدت برای استمرار بهره‌برداری از امکانات صنعت نفت ایران از طریق سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های زیربنایی به‌محاق برود.

نمونه‌ای از رویکردهای غیراصولی و کوتاه‌مدت به حوزه نفت را می‌توان در قوانین ومقرراتی یافت که طی سالیان بدون هرگونه پیبود، رفع اشکال و تغییر منطبق با شرایط روز، ثابت مانده است.

به نظر می‌رسد این دسته از مقررات (که به‌منظور جبران هزینه‌های مجموعه وزارت نفت و تامین منابع مورد نیاز در حوزه مالی از سال‌های گذشته تهیه، تدوین و ابلاغ گردیده) با توجه به شرایط خاص کشور و وضعیت ویژه صنعت نفت به لحاظ قدمت چاه‌ها، تجهیزات و سایر ملزومات نیاز به بازنگری و بازتعریف جدی دارد.

بازنگری در قوانین را می‌توان در اخذ مجوزهای لازم جهت افزایش سهم شرکت ملی نفت ایران و درج الزام جهت هزینه‌کرد افزایش موصوف در پروژه‌های زیربنایی این صنعت یا زمینه‌سازی یا مواردی مبتنی بر آن عملیاتی نمود.

با توجه به شرایط خظیر کشور در حوزه انرژی که بخش مهم آن ناشی از نگاه پول‌سازی صرف به نفت (و استهزا در خواست متولیان امر برای تخصیص منابع مالی) بوده است، به‌نظر می‌رسد با لحاظ داشتن محدودیت‌های جذب سرمایه‌گذاری خارجی، تهیه و تدوین برنامه‌ریزی جامع به‌منظور تامین منابع مالی جهت سرمایه‌گذاری در طرح‌های اولویت‌دار نفت بایستی در قالب یک الزام فوری در بدنه‌ی تصمیم‌گیر کشور مطمحنظر قرار گیرد.

هدف اصلی این برنامه می‌تواند معطوف به ایجاد توازن در معادلات مرتبط با حوزه تولید، مصرف داخل و صادرات نفت خام و میعانات گازی باشد. این مهم از طریق بررسی راهکارهای تامین مالی پروژه‌های صنعت نفت با مشاوره از مراجع و نهادهای ذی‌مدخل (نظیر بانک مرکزی، سازمان برنامه و بودجه کشور، کارشناسان خبره حوزه برنامه‌ریزی عملیاتی در سطح صنعت نفت و بهره‌گیری از امکان تقنینی مجلس شورای اسلامی و…) و مبتنی بر شناسایی و تعیین طرح‌ها و پروژه‌های اولویت‌دار با تاکید بر منابع نفت و گاز مشترک قابل حصول است.

نکته‌ی مهم این است که چنین برنامه‌ای به‌هیچ‌عنوان محدود و منحصر به وزارت نفت نبوده و نخواهد بود. مقوله‌ی بسیار مهمی همچون ناترازی گاز فی‌الواقع یک پدیده‌ی فنی یا اقتصادی یا عملیاتی نیست بلکه‌ی دامنه‌ی آثار آن بسیار وسیع و فراگیر بوده و به‌طور کاملاً مشخص از الزامات پیش‌روی همه‌ی قوا و دستگاه‌های اجرایی کشور محسوب می‌شود.

تیتریک

صبحگاه روز سه‌شنبه

حکم قصاص محمد قبادلو اجرا شد



شادی مکی

گزارشگر حقوقی هم‌میهن

صبح روز گذشته یکی دیگر از بازداشت‌شدگان اعتراضات سال گذشته قصاص شد. بنا بر اعلام قوه قضائیه محمد قبادلو محکوم به قتل یک مامور نیروی انتظامی به نام «فرید کرپور حسسوند» و جرح ۵ مامور دیگر در جریانات سال گذشته بود که حکم قصاص نفس او روز گذشته، اجرا شد.

اجرای این حکم واکنش‌هایی را در جامعه برانگیخت و انتقادات وکیل اوو جامعه حقوقی کشور را به‌دنبال داشت.

براساس اعلام مرکز رسانه قوه قضائیه محمد قبادلو از ابتدای دستگیری به جرایم خود، مخصوصاً رائند عمدی ماشین بر روی ماموران انتظامی به قصد قتل اعتراف می‌کند. بعد از صدور کیفرخواست پرونده متهم در رابطه با قتل عمد با عنوان اتهامی «قتل عمد و سایر جرائم در صلاحیت محاکم کیفری» به دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع و محاکمه او به اتهام قتل عمد وسایر جرایم تحت صلاحیت دادگاه کیفری از قبیل؛ شروع به قتل پنج مامور نیروی انتظامی، صدمه بدنی به آن‌ها و تخریب عمدی اموال متعلق به نیروی انتظامی در دادگاه کیفری یک استان تهران، از آبان ۱۴۰۱ و با حضور متهم، شکات، شاهدان عینی حادثه، کارشناسان پزشکی قانونی ووکیل تعیینی قبادلو برگزار می‌شود. در تاریخ ۳ دی‌ماه ۱۴۰۱ نیز ختم رسیدگی اعلام و دادگاه کیفری یک استان تهران، محمد قبادلسورا به اتهام «قتل عمد» شهید فرید کرپور، به «قصاص نفس» محکوم می‌کند. همچنین محمد بابت اتهام «شروع به قتل عمد» ماموران یگان امداد از طریق بر خورد عمدی به وسیله خودرو به قصد قتل آن‌ها به تحمل ۱۰ سال حبس تعزیری و بابت اتهام «تخریب عمدی» ۶ دستگاه موتورسیکلت سازمانی یگان امداد فرماندهی انتظامی شهرستان رباط کریم، به جبران خسارت و یک‌ونیم سال حبس تعزیری محکوم می‌شود که در مورد مجازات‌های تعزیری، فقط مجازات اشد قابل اجراست.» در ادامه توضیحات مرکز رسانه قوه قضائیه آمده است: «حکم دادگاه کیفری یک استان تهران مبتنی بر قصاص نفس، در پی فرجام‌خواهی متهم ووکلای او به دیوان عالی کشور ارسال شد. شعبه رسیدگی‌کننده به فرجام‌خواهی متهم، پس از وصول پرونده و بررسی آن، رای دادگاه را تایید می‌کند و در پی تایید حکم قصاص در اسفند ۱۴۰۱، پرونده جهت اجرای حکم به دادگاه بدوی ارسال می‌شود. اما با نامه پزشک معاینه‌کننده به رئیس قوه قضائیه و قضات دیوان عالی کشور، وکلای متهم در تاریخ ۲۱ خردادماه ۱۴۰۲ مجدداً تقاضای اعاده دادرسی می‌کنند

رئیس کل بانک مرکزی:

تامین ارز از مرز ۵۷ میلیارد دلار گذشت

گزارش یک

که با تجویز اعاده دادرسی، اجرای حکم متوقف و پرونده به دادگاه کیفری هم‌عرض جهت بررسی ارجاع می‌شود. رئیس کل دادگستری استان، تجویز اعاده دادرسی را با ذکر استدلال، خلاف شرع تشخیص می‌دهد و آن را موجب تضییع حق اولیای دم می‌داند. نهایتاً رئیس قوه قضائیه با اعاده دادرسی موافقت می‌کند و پرونده جهت رسیدگی به دیوان عالی کشور ارسال می‌شود. شعبه رسیدگی‌کننده در دیوان عالی کشور، در بررسی مجدد پرونده، تقاضای متهم را منطبق با بندهای ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی ندانسته و بار د تقاضای اعاده دادرسی محکوم‌علیه، حکم قصاص نفس را تأیید می‌کند.

▼ اعتراض وکیل قبادلو به نحوه اجرای حکم

با وجود این توضیحات اما اجرای حکم این جوان ایهامات بسیاری به‌دنبال داشته است. امیر رئیسیان، وکیل او در آخرین ساعات شامگاه پیش از اعدام او به «شبکه شرق» گفته بود: «حدود سه ساعت پیش، ابلاغیه‌ای برای ما مبنی بر ارجاع حکم اعدام محمد قبادلو به اجرای احکام ارسال شد. این اتفاق در شرایطی رخ داده که با توجه پذیرش اعاده دادرسی او، هر اقدامی برای اجرای حکم قبادلو، خلاف قانون است. قبادلو حق رسیدگی مجدد دارد و قانوناً، هیچ‌کس نمی‌تواند به جای این اقدام، حکم اعدام او را برخلاف قانون به اجرای احکام ارجاع دهد. ما هنوز نمی‌دانیم چه اتفاقی رخ داده ولی پیگیر ماجرا هستیم. شعبه اول دیوان‌عالی کشور حکم قصاص او را نقض و پرونده را به شعبه‌۵ دادگاه کیفری یک تهران ارجاع داده بود ولی حالا به‌جای رسیدگی، پرونده به اجرای احکام رفته است.» رئیسیان همچنین در صفحه ایکس خود در توییت‌هایی به این حکم اعتراض کرد. او نوشت: «در این پرونده حکم قطعی قصاص در اعاده دادرسی توسط شعبه اول دیوان عالی کشور نقض شده و پس از آن شعبه هم‌عرض هم حکم نداده است. حکم دیگری هم به ما ابلاغ نشده است.» رئیسیان همچنین نوشت: «جناب آقای اژه‌ای، دیوان عالی کشور حکم داده بود که دوباره پرونده بررسی شود. قوه قضائیه وعده دادرسی منصفانه داده بود.» او همچنین پیش از اجرای حکم محمدصفحه اینستاگرامی خودنوشت: «حکم قصاص محمد در شعبه اول دیوان عالی کشور نقض شده بود و پرونده به شعبه هم‌عرض (شعبه ۵ کیفری یک تهران) ارجاع شده بود که ضرورتاً با معاینات مجدد پزشکی قانونی حکم شایسته صادر شود. پس از این حکم، پرونده ماه‌ها به دست شعبه ۵ کیفری یک نرسید و این شعبه از دیوان عالی کشور تقاضای ارشاد کرد. شعبه اول دیوان در آخرین ابلاغیه‌ای که به دست ما رسید، گفته بود رسیدگی فعلاًمنتفی ومنوط به نتیجه‌رسیدگی در شعبه ۳۹ شده است. حالا این ابلاغیه اجرای حکم است که چند ساعت پیش برای ما ارسال شده است. هر تصمیمی در فرآیند ماده ۴۷۷ گرفته شده باشد، نافی حق محمد قبادلو

رویداد یک

یون آن چین، و ۵۲ میلیون یورو عرضه کردیم این آمار نشان می‌دهد که عرضه در بازار بسیار بیشتر از تقاضای واقعی ارز در کشور است. در خصوص خرید و فروش اسکناس نیز در بسیاری از روزها میزان خرید اسکناس بیشتر از میزان فروش اسکناس بوده و تراز مثبت در این زمینه در بسیاری از روزها به ثبت رسیده است. « او با اشاره به کمترین میزان صف تخصیص ارز با توجه به منابع باکیفیت ارزی کشور تاکید کرد: «با توجه به اینکه منابع ارزی مطمئنی در اختیار داریم از ابتدای سال با توجه به نیازهای کشور تامین ارز کشور در کمترین زمان ممکن صورت گرفته است و امروزه هیچ کالا و محصولی در بنادر وجود ندارد که با مشکل تامین ارز مواجه باشد. این روند در ماه‌های پایانی سال سرعت عمل بیشتری نیز خواهد داشت و این موضوع در مقایسه با سال های گذشته غیرقابل مقایسه است. « فرزین با اشاره به آمادگی بانک مرکزی برای انعقاد قرارداد ۶۰۰ میلیون دلاری با وزارت نفت گفت: «منابع ارزی کشور به گونه‌ای است که این پیشنهاد برای سرمایه گذاری در توسعه چاه‌های نفتی به وزارت نفت ارائه شده است و به زودی قرارداد منعقد خواهد شد. ۱۰۰ میلیون اوراق مراحه ارزی منتشر شده در داخل کشور در کمتر از ۲۴ ساعت به فروش رسید و آمادگی عرضه ۱۰۰ میلیون اوراق جدید در مرکز مبادله برای تامین مالی پروژه‌های عمرانی کشور را داریم». رئیس کل بانک مرکزی با اشاره به توان سامانه‌های نظارتی بانک مرکزی گفت: «امروز در بانک مرکزی این توانایی را داریم افرادی که با نرخ‌های غیرعادی سعی در ایجاد التهاب در بازار ارز و آسیب زدن به نظام اقتصادی کشور را دارند رصد و شناسایی کنیم اعداد بالایی که توسط سودجویان معامله می‌شود به زودی شناسایی می‌شود و واحدهای پولشویی ورود می‌کنند و به وظیفه خود در زمینه مسدود سازی حساب‌های ربایی و ارزی آنان عمل خواهند کرد.»

حاکمی است که بی‌کمترین تشریفاتی در کوچه و بازار با عموم مردم می‌جوشد. با آنان به گفت‌وگو می‌نشیند. به کنایه‌هایشان می‌خندد. زخم زبان‌شان را تحمل می‌کند. با این حال، از همه آنان ساده‌تر می‌پوشد. ساده‌تر می‌خورد. از مال شخصی خود استفاده می‌کند. پول سیاهی اضافه بر آنچه حق برابر همگان از اموال عمومی است، به خود یانزدیکانش اختصاص نمی‌دهد. در هر کار دشواری پیش قدم است. بی‌وقفه در خدمت عموم و رفع و رجوع مشکلات مردم و سامان دادن به کار آنان است.

عدل علی در امر قضاوت هم به همین اندازه در خشان و بی‌مانند